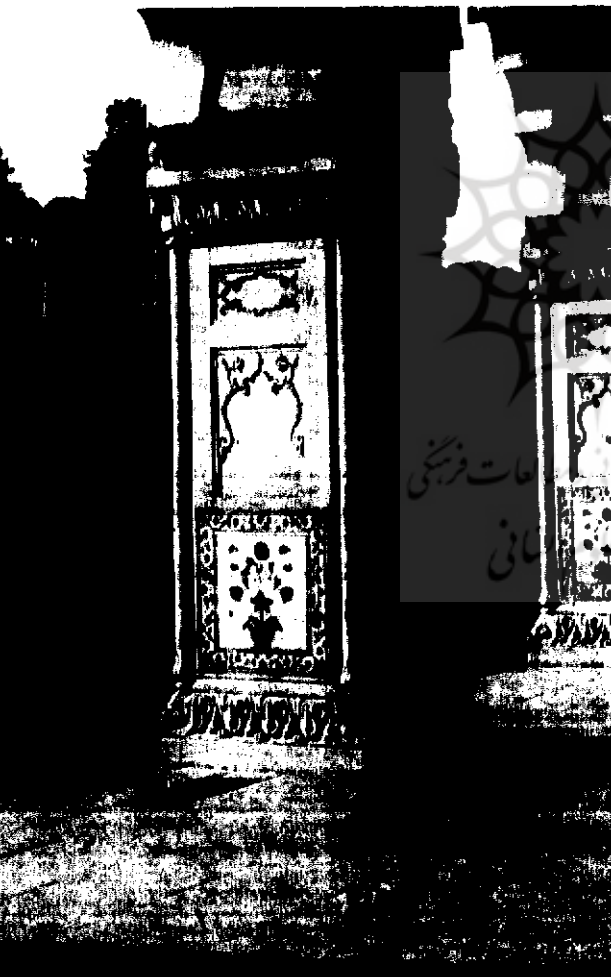


ویژگی های معماری مساجد اسلامی

سید محمد طریقی



کیست این پنهان مرا در جان و تن
کز زبان من همی گوید سخن
آنکه می گوید به من این راز کیست
بشنوید این صاحب آواز کیست

«مولوی»

هنوز هم باید هنر اسلامی را مکتوبی ناگشوده دانست که هرکسی به تناسب ادراک خود از آن بهره می گیرد. هنر اسلامی تنها این پیکر ظاهر نیست که بر روی آن گنبدی و گل دسته ای و طاق نمایی با گوناگونی های بسیار، با کاشی کاری های رنگارنگ و دیگر ظرایف هنر معماری، نقش بسته است و صرفاً خاک و سنگی نیست که بر هم کوبیده باشند. روح زنده آن روح الهی است که در این خاک دان دمیده شد تا انسان، این عالم صغیر، بنا بر نقش عالم کبیر آفریده آید، با سیمایی به سوی آسمان اهلی به آفرینش بنشینند و در ابدیت هستی سر تسلیم فرود آورد.

سخن از دو واژه است، هنر و اسلام، هنر اسلامی، هنوز در نیافته ام که هنر را چگونه باید تفسیر کرد. اگر هنر خلایق است که این هنر، هنری است فرا اخلاقی، زیرا طی سده ها و هزاران سال هنوز می تواند چون نخستین روز تولدش با من سخن گوید. این چه شوری است و چه غوغا؟! و اگر هنر ابداع مصنوعات از خاک و

سنگ و چوب است، چیست که مرا این‌گونه به‌سوی خود می‌کشاند و با ظاهر ساده و متین خوبستن به تأمل درونی‌ام می‌برد. اما آنچه از این دو واژه می‌دانم، یعنی هنر و اسلام، آن است که تسلیم شکوه و عظمتش شوم و خود را دل‌باخته آن دانم. دل‌باخته «سَلَمٌ» و «تسلیم»؛ که هر بار جهانی را درهم نوردیده، هر بار نیز بالنده‌تر و قوی‌تر شده است. و مرا هر بار هرچه بیش‌تر در برابر «آن معشوق متعالی آسمانی» اش^۱ به تسلیم وا داشته است هنری ساده، و در عین حال بس ژرف، با زیور و بس رنگارنگ؛ تبیین این اندیشه، ژرفنای برداشتی است که:

هر هستی بدین‌صورت پرتوی از هستی الهی است...
 و رسال معنوی که به نیروی عشق به جهان حق حاصل می‌شود و مستلزم آن است، که طبیعت الهی ظرف و قالب طبیعت بشری را بپوشاند و در طبیعت بشری محاط و در طبیعت الهی شود... به این معنا که خداوند در آدمی حضور دارد و آدمی در خدا و غوطه‌ور است.^۲

این سرشت نهادین درون، «آن دانای درون خرد»، آن «تابعه که به شاعر - و هنرمند - القا» می‌کند و آن «ترجمان الاشواق» که به محیی‌الدین عربی الهام می‌بخشد، رنگین‌کمان امامت، هم‌چو «پل، گاهی رمز اتصال بین آنچه که قابل ادراک و آنچه که ورای ادراک است»^۳ تفسیر می‌شود.

چشم‌ها را باید شُست، جور دیگر باید دید
 واژه‌ها را باید شُست

واژه باید خورد باد، واژه باید خود باران باشد^۴

صدای پای آب - سهراب سپهری
 حتی پژوهدشگران غربی که پیوسته در پی ادراکات
 ارسطویی - عقلی اند اذهان می‌دارند که
 روحیه بادیه‌نشینان روحیه‌ای آزادمنش است که در
 کویر پهناور، حضور پروردگار نادیده رابه‌شدت درک
 می‌کند.^۴

آزادی اسلامی مرحله‌ای از تکامل اجتماعی و سیاسی است که در هیچ‌یک از دیگر مرام‌ها چه در روزگار کهن و



چه در زمان حاضر یافت نمی‌شود.

نور علم با این که از مشرق به اروپا می‌تابید تا مدتی توانست به ظلمت غرب که پاپ جرجیس نهم در سال ۶۳۰ هجری قمری (۱۲۳۳) میلادی سازمان انگیز بیسیون (تفتیش هفیده) را بنا نهاد و از آن به بعد سوزاندن اشخاص به جرم این که چیزی گفته یا نوشته‌اند آغاز گردید، روشنی بخشد... و تنها روشنایی شرف فقط قسمتی از آن را که پزشکی باشد، روشن می‌نمود... و دیگر اجازه داده نمی‌شد که ادب و هیئت - و هنر - از مشرق زمین وارد اروپا شود.^۵

یک مسلمان در هر مکانی بر روی زمین که حضور داشته باشد در برابر خداوند قرار دارد.

او را دستور نشده است که برای انجام عبادتش در عبادتگاهی و مکان خاصی هم چون کلیسا حاضر شود. هر مسلمان خود خلیفه‌الله است. مساجد مسلمانان سرزمینی پهن‌تر است که نه رو به شرق و رقص‌های معابد دارد و نه رو به غرب و آوازه‌ها و تصویرگری‌هایش تا او را با درک لذات حسی، به سعادت سیر و سلوک آسمانی باز دهد.^۶

گونه به واسطه همین تأثیر و جذابیت ساده و بی‌آلایشی که جلال خداوندی را بدون دخالت انسان و القابات خارجی منعکس می‌ساخت، چنین سروده:

بی انتهایی تو، عظمت توست

این که شروع نمی‌کنی، سرنوشت توست.

شعر تو نیز مانند ستارگان آسمان، گردون است

ابتدایش همان است که انتهای اوست.

و آنچه در این میان می‌آورد،

نتیجه‌ای است،

که در اول هم بوده است.

به نقل از کتاب فرهنگ اسلام در اروپا، اثر هونکه، برگ ۱۴۸ اوج این سیر معنوی، تجلی خویش را در مسجد می‌یابد، در «الاتمن»، مکان مقدسی که پیامبر

اکرم (ص) به هفت آسمان عروج متعالی می‌کند. معراج معنوی برای پایه‌گذاری تکمیل شدن انسان تا آماده بازگشت به سرزمین اصل خویش شود.

و باز در همین مسجد - در مسجد خیف - است که جبرئیل امین بر پیامبر (ص) حاضر می‌شود و به آن حضرت در مورد امر ولایت بعد از خویش تأکید می‌ورزد تا آن را بر همگان آشکار گرداند.^۷

یک فرد مسلمان در رابطه خود با پروردگار نیاز به مکان خاصی ندارد، زیرا رابطه خداوند - انسان رابطه‌ای فرامکانی و فرازمانی است. زمان و مکان در محدوده این دنیا است که دارای بار مفهومی می‌شود. در صورتی که انسان نظر به سرشت و ماهیت آفرینش اش تنها متعلق به این دنیا نیست. او را بقای دیگری است. از این‌روست که ساختار معماری مساجد مسلمانان رابطه‌ای تنگاتنگ با این آزادمنشی دینی و حضور معنویت الهی دارد. معماری مساجد بی‌اندازه ساده و بدون تزئین چشم‌گیری در پیش احساس کنجکاو ما انسان‌ها به جلوه می‌نشیند و در نتیجه هنر را به شکوفایی درمی‌آورد.

شکوفایی‌ای که پیامبر (ص) در مسجدالحرام، کانون قدرت دشمن رویاروی دارالندوه - سنای قریش - سبید و سنی و اند شفیخ و معبود قریش را سنگ‌های گنگ و بی‌شعور می‌خواند و بی‌اندکی تردید با ضعف فریاد می‌زند که همه را به باری خداوند خواهم شکست...

و

در صحن مسجدالحرام صلاهی بیداری می‌دهد و ندای آزادی^۸. آزادی انسان‌های رنج‌کشیده و در این خانه خداوند، از نوع انسان تنها یکی را برگزیده تا در خانه خاص خویش، در کعبه دفن شود، یک زن، یک کنیز، هاجر. یک مادر، آن هم یک کنیز، یعنی موجودی که در تضادهای بشری از هر فخری عاری است.^۹

و برای به نمایش درآوردن «چنین انقلابی» هنرمندی متعهد و دارای شعور فرا انسانی می‌خواهد تا بتواند این همه عظمتِ خداوند را بی واسطه در رابطه با انسان به تجلی درآورد و نشان دهد که مساجد اسلامی از چه منزلتی غرورآمیز برخوردارند.

حال آن‌که کلیسا مکان و خانه مقدسی است که در آن مؤمن به وساطت یک روحانی به خداوند نزدیک می‌شد. کلیسای مسیحی با مفهوم مقدس بودنش یک مرکز آسمانی محسوب می‌شود. کلیسا هالم علیاست که از آسمان به زمین فرود آمده است.^{۱۱} و از همین طراز تلقی است که کلیساهای فخر فروش و صاحب قدرت در دوران تسلط اسلام به مساجدی ساده اما پُر جاذبه و سرشار از معنویت تبدیل می‌شوند. شناخت هنر معماری مساجد و به‌طور کلی هنر اسلامی در اعصار گوناگون، از ابتدا تا به امروز دلیل شناخت هرچه بهتر و پربارتر هنر جهان‌شمول فطری انسان است.

* * *

نخستین مسجدی که در اسلام بعد از مسجد الحرام از آن یاد شده است، مسجد قُبا می‌باشد که پیامبر اکرم (ص) خود به هنگام مهاجرت به مدینه سنگ بنای آن را گذاشتند و در آن نماز خواندند. پیامبر (ص) حدود یک هفته در آنجا اقامت کردند تا آن‌که حضرت علی علیه‌السلام به ایشان پیوست و بعد به مدینه مهاجرت نمودند. گفته شده است که حضرت علی علیه‌السلام قبل از آن‌که به خانه تاریخی خویش در کنار مسجد النبی در مدینه برود در قریه قُبا در کنار این مسجد با حضرت فاطمه (س) زندگی می‌نمودند. این خانه به «خانه عترة» معروف بود و نزدیک چاه خاتم قرار داشت. هنوز هم مکانی کنار مسجد قُبا وجود دارد که بدان «دار فاطمه» می‌گویند. قریه قُبا در هشت کیلومتری جنوب مدینه قرار دارد. گفته شده است که ربیع‌الرای در این مسجد به تعلیم و تعلم مشغول بود و دیگر آن‌که عقد حضرت علی علیه‌السلام و حضرت

فاطمه (س)، دختر گرامی پیامبر (ص) هم در مسجد پیوند خورد و فدک آن حضرت در همین مکان قرار دارد و دارای مسجدی هم بوده به اسم آن حضرت، مسجد فاطمه زهرا (س).^{۱۱}

در قرآن کریم نیز درباره این مسجد آیه‌ای وجود دارد که در آن به پیامبر (ص) امر شده است تا کلیسایی را که ابوهامر، راهب مسیحی و یکی از مخالفان سرسخت آن حضرت جهت مقابله و رویارویی با پیامبر و اسلام برپا کرده بود به آتش بکشد و آن را ویران گرداند. ابوهامر حتی از هیراکلیوس، قیصر روم درخواست کمک نموده بود.^{۱۲}

ساختار معماری این مسجد نظر به این‌که هنوز نمونه‌ای از قبل برای مسلمانان وجود نداشت هر آینه شیوه معماری خاص خود را دارا بود. از معماری این مسجد می‌توان به برداشته‌های شخصی پیامبر اکرم (ص) از مکانی برای نیایش با در نظر گرفتن فرامینی که در قرآن مجید در این باره صادر شده است، آشنا گشت.

پس از آن‌که پیامبر (ص) از قُبا به مدینه وارد شد در مکانی در این شهر به نام میزبند خانه ساده خود و نخستین مسجد اُمت نوین و حکومت جدید مسلمانان را بنا نهاد. لیک این مسجد که به نام مسجد النبی نیز نامیده می‌شود در طول تاریخ در اثر آتش‌سوزی‌هایی که دیده است و حتی در برخی موارد تماماً از بین رفت و بسیاری از یادگارهای آن حضرت و چگونگی باگیری اسلام به‌عنوان یک حکومت دینی جهانی طعمه حریق شد. در یکی از این آتش‌سوزی‌ها در سال ۶۵۴ هجری قمری (۱۲۵۶ میلادی)، دو سال قبل از سقوط خلافت عباسیان به‌دست هلاکو نخستین منبر پیامبر که یکی از یادگارهای آن حضرت به حساب می‌آمد و از قداست برخوردار بود، در آتش سوخت.^{۱۳}

برای دستگاه خلافت، مسجد به مراتب از خود تشکیلات و سفر و پایگاه حکومتی

مهم تر بود. خلیفه می دانست که در مسجدالنبی نه تنها پیامبر اسلام زندگی نموده است و این امر خودبه خود به این مسجد روحانیت ویژه ای می بخشید، بلکه او هم چنین می دانست که حکومت جهانی اسلام از این مکان شکل گرفته است. لذا از نظر سیاسی تسلط بر این مسجد برای حاکمان بعد از پیامبر به منزله اعمال قدرت و اقتدار سیاسی همراه مشروعیت نوع حکومت تلقی می شد. جایگاهی که سخنانشان در دل مردم جا می گرفت و بدان ارج می نهادند، زیرا از آنجا بود که پیامبرشان هم به عنوان رسول الله و هم به عنوان فرمانروای دنیوی شان با آنان سخن می گفت و فرامین الهی را که به او وحی می شد بر مردم ابلاغ می نمود و زیر سقف همین مسجد بود که آوایش طنین انداز می گشت و به سراسر جهان می رسید.

بنا بر روایتی منبر اصلی پیامبر (ص) دارای سه پله بوده است که با محل نشستن پیامبر (ص) که بدان مستراح می گفتند چهار پله در نظر گرفته می شد. بر روی هر پله مکان هر یک از خلفای راشدین بود. پله اول از بالا بعد از مکان قرارگرفتن پیامبر (ص) ابوبکر جامی گرفت. بعد از آن یک پله پایین تر، یعنی پله دوم از بالا عمر و پله سوم که اولین پله از پایین می بود عثمان قرار می داشت. حضرت علی علیه السلام دوباره بر جای پیامبر جهت ایراد خطبه و یا سخنرانی جلوس می نمود. خود این روایت نشان از شخصیت و موقعیت حضرت علی علیه السلام در نزد پیامبر و امت نخستین جامعه مسلمانان در مدینه دارد که از طرف دیگر تأییدی است بر امر ولایت آن حضرت بعد از پیامبر اکرم (ص).^{۱۴}

این که مساجد در دوران شکل گیری حکومت های اسلامی و به ویژه برای تظاهر قدرت معنوی و سیاسی حاکم نقش بارزی را ایفا می کرده است، فعالیت خلفا در این زمینه اهمیت نقش مسجد را در این گونه موارد نشان می دهد. در سال ۲۰۰ هجری قمری آن هنگام که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از طرف مردم

به عنوان خلیفه مسلمانان پذیرفته شده بود، والی مأمون، خلیفه عباسی را بر آن داشت تا پیش دستی کرده و از این فرصت سوء استفاده نماید و امام را تحت مراقبت شدید خود درآورد.

برخی از پژوهشگران گفته اند که ساختار معماری اولیه مساجد در اسلام به گونه ای متأثر از عبادتگاه های «صروح» در جنوب عربستان و نوع «مصلی» پیامبر که خیلی پیش از ساختن مساجد اولیه مورد استفاده قرار می گرفت، بوده است.

در قرن چهارم میلادی که نصاری به یمن و شمال الجزیره برای رواج دین مسیح آمده بودند و حبشی ها همراه ابرهه به آیین مسیح درآمدند کنائس و معابد بسیار زیبایی از طلا و با استفاده از سنگ های قیمتی رنگارنگ برپا کرده بودند که در صلیب بزرگ از طلا و نقره نیز در آن ها یافت می شد. این نوع کلیساها دارای منبرهایی از عاج و آبنوس بودند که مسلمانان بعد از پیروزی بر آن ها این اماکن را به مساجدی بس ساده تبدیل کردند.^{۱۵}

مساجد در برقراری تعادل روابط اجتماعی در جامعه اسلامی تنها مکانی بود که تمام افسار مردم از نهی دست تا ثروتمند در کنار هم در برابر خداوند بدون هیچ تبعیضی می نشستند و به کسب معارف دینی و دنیوی می پرداختند. چنین ویژگی تنها از آن مسلمانان است و در دیگر مذاهب بدان نمی توان برخورد.

این اصول دمکراتی که بیان شد ایجاب می کند یک مسجد را نیز درست مانند ساختمان های دیگر توسعه دهند، ولی نه عمودی و یا بلند کردن هرچه بیش تر ارتفاع آن، بلکه افقی و با اضافه کردن ستون ها و طاق های شبیه به یکدیگر و در کنار یکدیگر.^{۱۶}

و چه بزرگ اندیشمندانی که از همین مساجد برخاسته و در جهان اسلام شروع به تأیید نمودند. از آن جمله می توانیم از «اصحاب صفه، یاران مخلص و پاک باخته پیامبر و اسلام، هم چون سلمان پارس، ابوذر غفاری نام

بُرد که در مسجد پیامبر در مدینه از بی‌جایی و بی‌سامانی می‌خواستند، و از «ابو تام طائی، شاعر بلندآوازه نام بُرد که نخست در مسجد عمر و به کار ساده سقایی می‌پرداخت. از شافعی، پسر بچه‌ای پدر مُرده که مادرش در جوانی او آن‌چنان تنگدست بود که نمی‌توانست هزینه کاهل و قلم پسرش را فراهم آورد، دست‌پرورده مسجد بود، هم‌چنین ابویوسف که بعدها هم‌نشین خلیفه هارون الرشید و رئیس قاضیان حکومت اسلامی شد، همو که شاگرد سرشناس ابوحنیفه می‌باشد. و یا جاحظ مرغ و ماهی‌فروش سیخ‌ها در جنوب خاروی آسیای صغیر که یکی از نام‌آورترین دانشمندان اهل تسنن گشت» ۱۷ و از جابر بن حیان، پدر شیمی جهان که در محضر حضرت امام جعفر صادق در مسجد تعلیم می‌دید و یا هشام بن حکم.

البته مساجد تنها جایگاه آموزش برای تهی‌دستان نبود. چه‌بسا که بزرگان و نظامیان هم در کنار این فرودستان زانو زده و کسب معارف و دانش‌آموزی می‌کردند. گفته شده است که حتی آزادی تدریس بدان پایه می‌بود که دانش‌های غریبه هم در مساجد - در کنار علوم اسلامی - تدریس و یا به بحث و گفت‌وگو گذارده می‌شد. سیوطی در کتاب *حُسن‌المحاضرة*، جلد ۲، برگ ۱۲۷ به گونه‌ای که شلبی آورده گفته است که در سال ۲۶۵ هجری قمری در مسجد احمد بن طولون در قطائع در سرزمین مصر در کنار تفسیر، احادیث و فقه سناره‌شناسی هم آموخته می‌شد. و یا در مسجد جامع عمرو در مصر که به سال ۲۱ هجری قمری ساخته شده است در سال ۲۴۹ هجری قمری چهل و اندی حلقهٔ درسی و آموزشی در آن دایر می‌بود. مسجد‌الازهر در مصر که به دست جوهرالکاتب صیقلی در سال ۳۵۹ و یا ۳۶۰ هجری در زمان فاطمیان شیمه، سال دوم فتح قاهره ساخته شد خلیفه العزیز نزار آن‌جا را از سال ۳۷۸ هجری قمری تبدیل به مسجد جامع نمود که مختص تدریس گردید. تأثیر این مسجد در تکوین و گسترش

دانش در اروپا به گونه‌ای بود که هم از سبک معماری آن و هم از شیوهٔ تدریس آن در دانشگاه کمبریج انگلستان و دارالعلم پاریس تقلید نمودند. ۱۸

* * *

به گونه‌ای که پژوهشگران بیان می‌دارند معماری مساجد اسلامی برای اولین بار بعد از رحلت حضرت محمد (ص) در دوران خلفای راشدین دستخوش دگرگونی شد و مصالح به کارگرفته شده در آن هم به گونه‌ای دیگر و از مواد ساختمانی دیگر تهیه گردید. با پیشرفت اسلام و به اسلام گرویدن دیگر سرزمین‌ها و آشناگشتن مسلمانان به دیگر اسلوب معماری مساجد هم از این قاعدهٔ توسعه و گسترده‌گی برکنار نماند. چه‌بسا در ابتدای این تماس نظر به نداشتن امکانات و تجربهٔ کافی در ساختن عمارت‌های عمومی و بزرگ، معابد و کلیساها را بنا بر شرایط به‌وجودآمده تبدیل به مسجد می‌کردند. لیک خیلی زود سبک معماری ساده اما تأثیرگذار مساجد اسلامی جای پای خود را حتی در این‌گونه عبادت‌گاه‌ها نیز باز می‌نمود و خود این امر کم‌کم زمینه‌ای را برای ساخت نمونه‌های بعدی فراهم آورد.

در زمان خلافت عمر و به دستور او کلیسای یوهانس سوریه که به روزگار ثورودوروس، در کنار معبد زوپتتر ساخته شده بود و در سال سیزدهم هجری برابر با ۶۳۴ میلادی به تصرف مسلمانان درآمد. مکانی گردید که هم مسیحیان و هم مسلمانان می‌توانستند نیایش‌های مذهبی خود را به درگاه پروردگار یکتا به‌جا آورند. این آزادمنشی مسلمانان به اندازه‌ای بود که اسقف‌های کلیساهای شرقی و غربی به قدری راحت و آزاد بودند که تا آن وقت برای آنان چنین امری میسر نبود. ۱۹

بعدها این مکان به‌طور کامل از مسیحیان خریداری شد و آن را به صورت مسجدی تمام‌عیار اسلامی درآوردند. ولید برای گسترش و تجدید بنا و ساخت مسجد جامع دمشق درآمد هفت سال کشور را هزینه

کرد و کار ساختمان آن به مدت هشت سال تمام به درازا کشید. حتی گفته شده است که صورت اسناد و هزینه‌های مربوط به ساختمان و یا گسترش مسجد را هجده شتر حمل می‌کردند. این مسجد ششصد رشتۀ زرین آویزان داشت که آویخته‌ها و چراغ‌ها را نگاه می‌داشتند.^{۲۰}

در باره مسجد ولید در دمشق گفته شده است که عباسیان آن را به نام خود تغییر داده‌اند لیک در این میان فراموش کرده‌اند که تاریخ ساخت حک شده بر کتیبه آن را عوض نمایند تا سرپوشی بر این جعل تاریخی بتوانند بگذارند.^{۲۱} این مسجد با یک تالار ستونی و سه شبستان که یکی از آن‌ها کج می‌باشد و به وسیلهٔ سقفی چوبی پوشیده شده است جلب نظر می‌کند. منارهٔ مسجد در بخش شمالی آن قرار دارد. برای تزیینات داخلی مسجد از هنرمندان ایرانی بهره جسته‌اند. از ویژگی‌های معماری مساجد اموی آن بود که آن‌ها از تمام روش‌ها و سبک‌های شناخته‌شدهٔ معماری آسیایی، یونانی، رومی و هم‌چنین اندیشه‌های مردمی که می‌دیدند بهره می‌گرفتند و کوشش می‌کردند در بین آن‌ها تلفیقی به‌وجود آورند. این‌گونه معماری حتی تأثیر خود را در سرزمین هند گذاشت. این امر از آن‌جا به‌وجود آمده بود که اعراب از معماری جدید که در اثر فتوحات‌شان با آن روبه‌رو می‌شدند اطلاع کافی نداشتند، اما با وجود این، معماران ایرانی و روم شرقی در خود این الزام را هم می‌دیدند تا نظر و سلیقهٔ صاحبان جدید را در ساخت بناها مراعات نمایند. همین مسئله سبب شد تا بعد از مدت کمی ابنیه و عمارات وضع خاصی به خود گرفته و در آرایش و تزیینات با گل و بوته و نقش و نگارها از ترکیبی استفاده کنند که بین آن‌ها با دیگر ابنیه و عماراتی که تاکنون ساخته و پرداخته شده بود تفاوت محسوسی ظاهر گردد.

از آن‌جا که این مکان عبادی در زمان امویان بازسازی و توسعه داده شده بود آن را مسجد اموی و یا

مسجد ولید نام نهادند. با آن که این مسجد سه بار طعمهٔ آتش شد (در سال‌های ۴۶۱ هجری قمری برابر با ۱۰۶۹ میلادی، ۸۰۲ هجری قمری برابر با ۱۴۰۰ میلادی و ۱۳۱۰ هجری قمری برابر با ۱۸۹۳ میلادی) لیک باز هنوز به‌عنوان یکی از نخستین مساجد اسلامی با استقامت برجا مانده است و از سبک معماری آن نمونه‌برداری و تقلید بسیار در دیگر مساجد شده است.^{۲۲}

در سال ۷۲ هجری قمری برابر با ۶۹۱ میلادی در محوطهٔ بیت‌المقدس در مکانی که حضرت سلیمان عبادت کرده است و بنا بر قولی حضرت ابراهیم، خلیل‌الله نیز در آن‌جا قربانی خویش را به درگاه پروردگار تقدیم کرده است و در جایی که صورت حضرت مسیح در آن قرار دارد، از مکانی که «صخرهٔ عروج شبانه»^{۲۳} با مقام حضرت محمد (ص) تحقق یافت مسجدی بنا شد که آن را مسجد عمر گفتند. طول مسجد تقریباً ۵۰۰ متر و مجموع مساحت آن مساوی بود با ربع شهر بیت‌المقدس آن زمان و اطراف آن حرم شریف. طاق‌های این مسجد به‌گونه‌ای جنافی زده شده است «که بر روی ستون‌هایی از سنگ مرمر» قرار دارد. اعراب این مسجد را به‌واسطهٔ گنبد عظیم آن و قرار گرفتن بر روی صخره، «قبهٔ الصخره» می‌نامند. در سمت چپ مدخل ورودی مسجد، به‌نام «باب‌البرید»، یک حوض آبی در وسط آن قرار گرفته بود که آب آن جاری بود و این قسمت، زاویه درس پیروان مذهب شافعی بود. البته گروه‌های دیگر هم در این مسجد تدریس می‌کردند. حتی خطیب بغدادی در سال ۴۵۶ هجری قمری در این مسجد جلسه درس داشت. اصولاً مسجد جامع در مفهوم اصلی‌اش جایگاهی بوده است که در روز جمعه و یا در هنگام مراسم ویژه در آن نماز برپا می‌شد و در دیگر روزها از آن برای تربیت و تعلیم، یعنی به‌عنوان مدرسه در برابر دارالعلم که در آن‌ها علوم غیر دینی تدریس می‌شد استفاده می‌گشت. این مدارس البته با مکتب‌خانه هم

نیاستی اشتباه گرفته شود که در آن اساساً قرآن و اصول مربوط به آن تدریس می‌شد و اکثراً از کودکان و نوجوانان تشکیل می‌شد و آن‌هم پیش‌تر برای خواندن و نوشتن بر مبنای قرآن بود.^{۲۴}

پیرامون بیت‌المقدس گفته شده است که صلیب حقیقی مسیحیان در بین سال‌های ۶۲۹-۶۱۴ میلادی از آن‌جا به ایران به شهر مدائن که به نام «بابا» یا «الباب» به مفهوم خدا خوانده می‌شد به مدت ۱۵ سال آورده و نگهداری شد. پیش از مدائن به شهر بابل «سلف ویران‌شده» مدائن «این نام را داده بودند و بعدها به دربار عثمانی «باب عالی» اطلاق گردید. مدائن در سال ۱۵۵ هجری قمری برابر با ۶۳۶ میلادی به دست مسلمانان گشوده شد که برای حکومت جبران مسلمان اهمیت بسیاری داشت.^{۲۵} مدائن پس از گذشت یک‌صد سال با ایجاد شهر بغداد و فرارگرفتن مقر حکومتی عباسیان در آن‌جا رو به ویرانی گذاشت. لیک سبک معماری آن همواره الهام‌بخش بسیاری از مساجد شده است.

یکی از مساجد باشکوه دوران نخستین تاریخ صدر اسلام مسجدالاقصی با گنبد طلایی آن در بیت‌المقدس است. هر ضلع این مسجد هشت‌گوش دارای ۲۰/۳ متر می‌باشد که با آیات کریمه قرآن با رنگی سفید بدان جاودانگی خاصی بخشیده و آن را به صورت نمادی از قدرت اسلام در سرزمین مقدس فلسطین و وحی آسمانی درآورده است. پنجره‌های رنگین بلند آن تا زیر گنبد در تالار نور که بر پیکره موزاییک‌های دیوار می‌تابد قداستی دیگر به آن ارزانی می‌دارد. گفته شده است که سنگ بنای این مسجد به‌وسیله حضرت سلیمان بن داود گذاشته شده و ملاط به کاررفته در آن از ذوب فلزات است.^{۲۶}

پژوهشگران از قول مقدسی بیان می‌دارند که مسجدالاقصی در بیت‌المقدس را به سبک کلیسای اُدیسا که دارای گنبدی موزاییک‌شده بود و مقدسی آن را «یکی از عجایب چهارگانه دنیا به‌شمار آورده است»

ساخته‌اند. شهر اُدیسا در نزد اعراب به الرها برگرفته از واژه یونانی کالیرهو (Callirhoe) معروف بود. عجایب ذکرشده از سوی مقدسی عبارت بودند از پُل سنجه، کلیسای رُها، مناره اسکندریه و مسجدالاقصی. پُل سنجه که هنوز هم پابرجاست ساخت و سپهسالار از دوره رومیان است. طاق آن ۱۱۲ قدم و دهانه پُل حدود دو یست گام طول دارد.^{۲۷}

از خصوصیات معماری مسجدالاقصی آن که در سال ۹۶۸ هجری قمری برابر با ۱۵۶۱ میلادی به دستور سلیمان بن سلطان سلیم عثمانی کاشی‌های منقش به گل و بوته که بر بالای سنگ‌های زیرین بدنه با ارتفاعی مشخص به کار رفته است، تزیین یافته. این کاشی‌کاری‌ها کار هنر صنعت‌گران ایرانی می‌باشد که در تابش نور شکوه خلاقیت آن دو چندان می‌شود. ستون‌های به کاررفته در این مسجد از آثار باقی‌مانده باستانی رومیان است. گنبد این مسجد هم یک‌بار دیگر در سال ۴۱۲ هجری قمری برابر با ۱۰۲۲ میلادی تعمیر گردید و بازسازی کامل آن در سال ۵۸۳ هجری قمری برابر با ۱۱۸۷ میلادی به دست صلاح‌الدین ایوبی صورت گرفت.

در قرن نهم هجری قمری دروازه‌هایی به این مسجد افزوده شد. منبر این مسجد که از چوب و با تزیینات عاج و صدف صورت گرفته است در سال ۵۶۴ هجری قمری ساخته شده و شیشه‌های پنجره آن هم مربوط به قرن دهم هجری می‌باشد. در این مسجد دو شبستان موجود است که یکی با ستون‌های ماریچ و طاق‌های جنائی ساخته شد و به آن «مقام عمر» نیز گویند، زیرا عمر خلیفه دوم در آن‌جا نماز گذارد و شهر را از بیزانس تحویل گرفت. جایگاه دیگری هم دارد که بدان «مقام زکریا» گویند. دیگر این که گفته شده است «در ابتدا این مسجد برای حضرت مریم توسط ژوستینی پلن، قیصر روم ساخته شده بود که بعدها توسط مسلمانان تبدیل به مسجد گردید» و در جنگ‌های صلیبی از آن برای مدتی



جهت اقامتگاه سپاهیان مسیحی استفاده نمودند و تالارهای آن را حتی برای مخازن اسلحه لشکریان مورد استفاده قرار دادند.^{۲۸}

مسجدالاقصی مکانی است مقدس که به مدت سیزده سال قبله مسلمانان بود تا در اثر لجابت یهود و کینه دیرینه و تعصب مذهبی آنان به فرمان خداوند کعبه معظمه قبله مسلمانان گردید. مسجدالاقصی با آن همه زمینه‌های ژرف مذهبی و سیاسی جایگاهی است خداگونه بر روی زمین از برای هبوطیان بهشت. پیرامون مسجدالاقصی گفته شده است که نخستین مناره‌های منور بیت المقدس و به طور کلی برای مساجد جهان اسلام بنا بر ساختار برج دریایی اسکندریه پس از آن که مسلمانان مصر را در سال ۶۴۱ هجری قمری برابر با ۶۴۲ میلادی به زیر پرچم سبز اسلام درآوردند و بدان آشنایی یافتند، برپا ساختند. از همین جاست که واژه مناره به مفهوم نورانی متداول گشت.^{۲۹} ثوری دیگر بر این اندیشه است که معماری مناره به طور ناگهانی در سوریه پدید آمد و آن هم هنگامی که مسلمانان مسجد چنگه دگشقرت‌نخ در ستل ۸۵ هجری قمری برابر با ۷۰۵ میلادی بنا به دستور خلیفه ولید بنا ساختند و در عظمتش برای مسلمانان از عجایب هفت‌گانه به نظر می‌رسید بنا تکیه بر برج و باروسازی بیزانس در چهارگوشه‌اش چهار برج مربع ساخته شد تا از فراز آن آوای مؤذن ظنین انداز گردد.^{۳۰} لیک امر مسلم این است که ساخت مناره یکی از ویژگی‌های مسجد در نزد مسلمانان از همان اوایل ساخت مسجد در زمان پیامبر (ص) و بعد از او متداول بوده است. هرچند ساختار معماری مناره‌ها که با چسبیده به دیوار خارجی است و یا آن را در فاصله‌ای از آن می‌ساختند متأثر از معماری کهن برج‌های پله‌ای معابد شرقی است که نمونه‌هایی از آن در دروازه بابل قابل ملاحظه می‌باشد.^{۳۱}

از ویژگی‌های دیگر که برای بیت المقدس

برشمرده‌اند آن بود که مسیحیان هنگام غسل تعمید، کودکان خود را به سوی شرق برمی‌گرداندند بدون آن‌که از کم و کیف این عمل چندان مطلع باشند. این عمل را گویا برخی از مسلمانان در صدر اسلام در مساجد به تقلید از مسیحیان در روز بیستم و چهلم بعد از تولد طفل انجام می‌دادند که امام صادق علیه‌السلام از آن به شدت جلوگیری به عمل آورد، زیرا این عمل را یک عمل مسیحی می‌دانست. از نظر ایشان یک مسلمان ناپستی اعمال مسیحیان را آن‌هم در مساجد خود انجام دهد. هرچند که در قرآن کریم به دفعات حضرت مسیح مورد تکریم قرار گرفته باشد، لذا پیروی از قواعد دین مسیح از طرف مسلمانان جایز نیست. «ضمناً امام صادق علیه‌السلام یادآور شدند که برگرداندن صورت نوزاد به سوی شرق در نزد مسیحیان و به تبع آن مسیحیان شرقی که باز به سوی شرق برمی‌گرداندند به خاطر بیت المقدس می‌باشد که آنان این خصوصیت را فراموش کرده‌اند و تنها به سمت شرق بودن را نگه داشته‌اند.^{۳۲}

* * *

اکنون از هلال سبز و مکان مقدس قدس، از سرزمین پیامبران الهی به مکانی مقدس دیگر، یعنی سرزمین عراق، تربت عاشقان کربلا می‌رویم و اولین مسجد این پهن دشت امامان را در کنار کاخ فروریخته کسری نظاره‌گر می‌شویم. نخستین مسجد این منطقه پس از پیروزی اعراب مسلمان بر ایران در کوفه به وسیله سعد بن ابی وقاص و با هم‌پاری روزبه، معمار ایرانی و فرزند بزرگمهر ساخته شد؛ در شهری که «در سال ۱۸ هجری، یعنی سه سال پس از پیروزی اسلام بر شاهنشاهی ساسانی - به عنوان مقر جدید حکومت شرقی اسلامی - بنیاد نهاده شد.^{۳۳} البته پیش از این در مدائن نیز مسجدی بنا کرده بودند.

در باره ساخت این مسجد آورده‌اند که عمر، خلیفه دوم به سعد دستور داد تا «یک تیرانداز زورمند در فضایی که می‌خواهند مسجد بسازند از چهار سو

تیر اندازد، هر جا که این تیرها به زمین نشست دیوار مسجد را همان جا بالا برند.» مصالح به کار رفته در این مسجد از کاخ‌های حیره همانند کاخ البیض (سفید) و کاخ خورنق که دیگر به ویرانه تبدیل شده بودند تهیه شد. روزه نقشه مسجد را با بهره‌گیری از معماری «طاق کسری» تهیه کرد.^{۴۴}

در باره علت ساخت شهر کوفه گفته شده است که خلیفه به سعد نوشت که «عرب مثل شتر است، برای او بیابان و سبزه‌ای لازم است و زندگی در شهرها با طبع او سازگار نیست... سعد به دستور خلیفه در نزدیک قادسیه شهر کوفه را ساخت.»^{۴۵} خلافت عباسیان نخست از این شهر شروع گردید، لیک از آنجا که مردم کوفه عشق علی و خاندانش را در سر داشتند پوسته برای خلافت عباسی مزاحمت فراهم می‌آوردند. لذا منصور خلیفه شهر بغداد را در سال ۱۴۶ هجری قمری جهت دارالخلافه بنا کرد و تا سال ۱۴۹ هجری قمری کار ساخت آن به طول انجامید. در همین شهر و مسجد کوفه بود که حضرت علی علیه‌السلام در سال چهارم هجری قمری شربت شهادت نوشیدند.

مسجد کوفه در برپایی حکومت عباسیان نقش بسیاری داشته است. به طوری که سفاح خلیفه عباسی در سال ۱۳۲ هجری قمری برای بیعت گرفتن از مردم در این مسجد خطبه‌ای ایراد کرد و در آن دعوی خلافت عباسیان و اقتدار آنان از طریق حکم و فرمان الهی را توجیه نمود. همین امر خود نشان می‌دهد که مساجد به عنوان یک مکان روحانی و مقدس از چه ویژگی‌ای حتی در امور سیاسی برخوردار بوده‌اند.^{۴۶}

هنگامی که در سال ۱۴۶ و یا ۱۴۷ هجری قمری شهر بغداد به دست منصور خلیفه عباسی برای رهایی از کشمکش‌های سیاسی با اهل کوفه و طرفداران شیعه بنا گردید مسجد جامع آن که به نام جامع منصور معروف است یکی از بناهای باشکوه و معتبر و باارزش شهر جدید - بغداد یا دارالسلام - به حساب می‌آمد. هزینه

ساختن این شهر و مسجد و قصر طلایی منصور (قصر الذهب) را حدود ۱۸ میلیون دینار برآورد کرده‌اند. هر چند که برخی دیگر از پژوهشگران مبلغ مصرفی را ۴ میلیون و دیگران حتی ۱۰۰ میلیون آورده‌اند که به هر صورت از شکوه ساخت عمارت آن من جمله مسجد منصور حکایت می‌کند.

این مسجد در دوران خلافت هارون الرشید بازسازی گردید و در زمان مُتَمَصِّد بر وسعت آن افزوده شد. اهمیت این مسجد در این روزگار به گونه‌ای بود که حتی خطیب بغدادی در سفر حج خود به هنگام نوشیدن آب زمزم از خداوند درخواست نمود تا توفیق تدریس در این مسجد را نصیب او کند. البته در مقابل حنبلیان متمصب پیوسته از این مسجد به عنوان پایگاهی جهت مقاصد ضد شیعه خویش و کانونی برای پرورش افکار خود تا حدود پنج قرن استفاده می‌کردند. در سده سوم هجری به نقل از یعقوبی، در بغداد سی هزار مسجد وجود داشته است، هر چند که در این خصوص نمی‌توان کاملاً مطمئن بود.^{۴۷}

در مسجد کوفه بود که حضرت علی علیه‌السلام مردم کوفه و صحابیان رسول اکرم (ص) را که با وی بودند جمع کرد و بر آنان موضوع حدیث غدیر خم را مطرح نمود که همگی بر آن گواهی دادند.^{۴۸} با وجود این که آن حضرت را که مولد مسجد بود شهید مسجد، در محراب زکریا در مسجد کوفه، گردانیدند و بسیاری از صحابه از بیعت آن حضرت در مسجد سر باز زدند.

در عالم نگرود به کس این سعادت

به کعبه ولادت به مسجد شهادت^{۴۹}

مساجد صرف نظر از جایگاهی برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همواره موطن اصلی هنرمندان معمار و کاشی‌کاران و خوش‌نویسان بوده است که همه و همه در تعالی بخشیدن خانه خدا در تمام سادگی‌اش می‌کوشیده و کار در این خانه را نوعی تقرب به درگاه

خداوند متعال می‌دانسته‌اند، زیرا که مسجد نمادی است از حضور رسول خدا (ص) و در خانه پیامبر کارکردن نعمتی نیست که نصیب هر کس شود.

در ساختار معماری مساجد پیوسته دو جنبه ایرانی قابل ملاحظه است. یک طاق کمانی بزرگ جلوی محراب که از ویژگی‌های مکان‌های مقدس ایرانی است و دیگر ایوان گنبددار که تقلیدی است از ساختار معماری مدارس مذهبی. تفاوتی را که میان مساجد و مدارس می‌توان ذکر کرد در ساختار آرک‌ها (طاق‌نماها) و پا رواق‌های اطراف حیاط می‌باشد. ۴۰ در مدارس این‌گونه آرک‌ها به اتاق‌های کوچک‌تری تبدیل می‌شدند تا از آن‌ها برای سکونت دانشجویان استفاده کنند. در جلوی آرک‌ها ایوان بزرگی وجود داشت که به‌عنوان محل تجمع و سرقراری درس مورد استفاده قرار می‌گرفت. کم‌کم این ساختار معماری هم به مساجد سرایت نمود و در معماری جدید مساجد ایرانی به‌منظور مدخل ورودی اصلی به‌سوی حیاط مسجد تلقی گردید. این سبک از معماری مساجد از قرن ششم هجری دیگر در ایران مرسوم شد. در طرف دیگر حیاط ایوان بزرگ دیگری قرار داشت که شبستان مسجد بود و جهت برقراری نماز و یا دیگر مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در واقع طرح‌ریزی شکل مساجد اولیه دارای دو ایوان و یا شبستان بود. ۴۱

از مساجد معروف ایرانی که زیباترین است مسجد هلیشا و کبود تبریز را نام می‌برند. مسجد هلیشا را تاج‌الدین هلیشا وزیر الجایتو و سلطان ابوسعید ساخته که با کتیبه‌ای به قلم ثلث عالی از محمد بواب تزئین یافته است. ۴۲

ایوان این مسجد را از ایوان مدائن الهام گرفته‌اند، به‌طوری که نوشته‌اند از آن‌هم بزرگ‌تر بوده است. پهنای طاق مسجد ۳۰/۱۵ متر و بلندی دیوار طاق ۳۲ متر می‌باشد. مسجد کبود که به‌نام فیروزه اسلام شهرت دارد نیز از ایوان مدائن بهره گرفته است. ۴۳

مسجد چهل ستون بنات، معروف به مسجد مهرآباد از جهت معماری چوبی آن در میان دیگر مساجد ایرانی شهرت ویژه‌ای دارد. البته سرمشق این مسجد که از یادگارهای دوره صفویه می‌باشد چهل ستون اصفهان و عالی‌قاپو است.

نمای خارجی مسجد عبارت است از یک سردر متوسط و ساده ورودی با قوس تیزه‌دار، یک مناره با روکشی از کاشی و بالاخره پنج پنجره نورگیر در بالا و پنج درِ کوتاه ورودی در زیر آن‌ها. ۴۴

شبستان این مسجد بر روی سکویی همانند سکوه‌های هندی به ارتفاع ۱/۴۰ متر ساخته شده است و در طراحی آن به‌گونه‌ای اندیشیده‌اند که جای کافی و گسترده‌ای را دربرگیرد که چهارگوش به‌نظر می‌رسد. در دو جانب شرقی و غربی شبستان دو بالکن سراسری برای استفاده بانوان بنا کرده‌اند.

سقف شبستان را بیست ستون بر روی دوش‌های خود حمل می‌کنند و بالکن‌ها دارای ده ستون می‌باشند که بر روی هم چهل ستون در این مسجد به‌کار برده شده است. این مسجد به هزینه بی‌بی‌جان‌خانم دختر منصوربیک در سال ۹۵۱ هجری قمری در زمان سلطنت شاه‌طهماسب بنا شده است. ۴۵

به‌هرصورت تأثیر معماری اسلامی ایرانی نه‌تنها در تمام نقاط ایران در دوران‌های گوناگون قابل رؤیت می‌باشد بلکه در سایر مناطق اسلامی همانند سوریه، مصر، هند و... هم چنان انکارناپذیر به چشم می‌خورد. در این‌جا سخن را درباره هنر معماری مساجد ایرانی کوتاه می‌کنیم و می‌کشیم در راستای نظر خود به دیگر نقاط اسلامی بپردازیم.

* * *

یکی از مساجدی که در اثر فعالیت‌های سیاسی تا به امروز نسبت به شهری که در آن بنا گردیده است پابرجاتر مانده است مسجد احمد بن طولون است که در بخش جنوبی قاهره امروزی قرار دارد. این مسجد تلفیقی از

سیک معماری شهرسازی و عمارت‌پردازی شهر سامرا در عراق را در مصر نشان می‌دهد که متأثر از سرنوشت خود ابن طولون است. ابن طولون پرورش‌یافته دستگاه خلافت بغداد بود و از ندیمان ترک‌نژاد خاص خلیفه. لیک در اثر شرایط روابط سیاسی نامشخص و حسادت برخی از صاحب‌منصبان که پیوسته در کارهای سیاسی بروز می‌کند ابن طولون مجبور شد تا قابلیت خویش را در سرزمین دیگر بروز دهد که زمینه‌هایش برای او از بغداد مناسب‌تر می‌نمود. وی توانست از سال ۲۵۳ هجری قمری تا ۲۹۳ هجری قمری حکومتی مستقل در مصر به وجود آورد. حتی او سوریه را در سال ۲۶۳ به مناطق تحت نفوذ خود در مصر اضافه کرد. از آن‌جا که خاندان ابن طولون از بزرگان شهر سامرا بودند او آشنایی کامل به شهرسازی و معماری آن‌جا داشت. مسجد ابن طولون مسجدی چهارگوش در اندازه‌های ۱۱۶/۱۴۰ متر است که بین سال‌های ۲۶۲ هجری قمری تا ۲۶۵ هجری قمری ساخته شده است. همان‌طور که گفته شد از شهری که ابن طولون در مصر ساخته است تنها همین مسجد باقی مانده است که به عظمت کار او گواهی است بس بارزش.^{۴۶}

مسجد ابن طولون با زمینه‌های معماری سنتی اسلامی همراه با به‌کارگیری مصالح و تزئیناتی به سبک ایرانی یکی از مراکز دیدنی و اعجاب‌آمیز مصر می‌باشد. طاق‌نماهای نوک‌تیز گسترده آن که بر روی تکیه‌گاه‌هایی از آجر آرمیده‌اند و کل شبستان و آرک‌ها را در آغوش می‌گیرند از ویژگی‌های این مسجد به‌شمار می‌آید. هم طاق‌های کمانی و هم تکیه‌گاه‌ها به‌وسیله نوعی اندود به‌شکل مرمر پوشانده شده‌اند که با تزئینات بسیار جالبی تراش خورده‌اند که نظر هر بیننده را به خود معطوف می‌دارند. در بخش تیرک‌های ساختمانی کتیبه‌های چوبی دور‌تادور مسجد را دربر گرفته و از طریق خوش‌نویسی تمام سوره‌های قرآن کریم بدان جلال و عظمت دیگری بخشیده است. از خصوصیات دیگر این

مسجد ۱۲۸ پنجره آن است که هرکدام به‌گونه‌ای طاق‌نماوار نوک‌تیز که از دو قطعه ساخته‌اند و توسط ستونی به یکدیگر ارتباط می‌یابد شکوه آن را دوچندان جلوه می‌دهد.^{۴۷}

* * *

یکی از بناهای زیبا در شهر قاهره که بنیادش به‌دست فاطمیان شیعه‌مذهب اسماعیلی ریخته شد، مسجد الازهر است. این مسجد در سال ۳۵۹ هجری قمری - (برخی سال ۳۵۸ ذکر کرده‌اند) - ساخته شد و به یاد دختر گرامی پیامبر (ص) نامگذاری گردید. در سال‌های نخست تأسیس از این مسجد فاطمیان برای مقاصد سیاسی استفاده می‌کردند و آن‌جا را پیوسته به‌عنوان مکانی برای تعالیم و تبلیغ اندیشه‌های مرام خویش و در عین حال مرکز آموزش عالی مدنظر می‌گرفتند. امروزه هم در این مسجد، هنوز از عظمت گذشته‌اش در این ویژگی کاسته نشده است. الازهر حدود دویست سال به‌وسیله فاطمیان شیعه به‌طور مداوم کاربرد سیاسی و آموزشی داشت تا این که در زمان صلاح‌الدین ایوبی در سال ۵۶۶ هجری قمری برابر با ۱۱۷۱ میلادی هم‌زمان با جنگ‌های صلیبی به‌دست اهل تسنن اداره شد. در حال حاضر متولیان این مکان تحت نظارت دستگاه دولتی مصر درآمده‌اند و تا حدودی یکی از ارکان نشر نظرات دولتی شده است. با وجود این، در این مسجد به‌عنوان یک مرکز آموزشی جهان اسلام مسلمانان از چهارگوشه دنیا جهت تحصیل علوم اسلامی به کسب دانش‌های لازم می‌پردازند. این امر بارزترین خدمات مذهب شیعه در دوران فاطمیان مصر و بعد از آن می‌باشد که اقتدارش هنوز هم چنان شکوهمند قدرت‌نمایی می‌کند.

فاطمیان در ساخت این مسجد از ترکیب معماری ستون‌دار هینی به‌جای تکیه‌گاه‌های ستونی آجری بهره برده‌اند. در بخش خارجی حیاط طاق‌نماهای کمانی نوک‌تیز به سبک ایرانی قابل مشاهده است که بعد از

کاربرد آن در این مسجد سبب تقلید بسیار در بناهای دیگر مصر شد. در بین سده‌های ۸ هجری قمری تا دهم هجری قمری مناره‌های این مسجد را برافراشتند.

یکی دیگر از بناهای فاطمیان مسجد حکیم در قاهره است. این مسجد در خیلی جهات همانندی‌های زیادی با مسجد ابن طولون دارد. تفاوت عمده در این مسجد تنها در ساختار معماری تکیه‌گاه‌ها و ستون‌های آجری آن است. از ویژگی‌های آن می‌توان به دو مناره موجود اشاره کرد. این دو مناره در کنار دیوار جلویی مسجد قرار دارد و با این که پایه‌های چهارگوش، پلکان‌های هشت‌ضلعی را بر روی خود حمل می‌کنند؛ نوع معماری‌ای که بعدها در مصر متداول گشت. ۴۸

ترکیب جدید در معماری رومبا در مسجد کوچک الاکماء تجربه شد. در این‌جا با برداشتی از معماری لانه‌زنبری به کاررفته در طاق‌نماهای قصرها و سردر مساجد ایرانی برای اولین بار در مصر از آن استفاده گردید که کم‌کم جزء ثابت معماری اسلامی در غرب سرزمین‌های جهان اسلام به حساب آمد. البته تأثیر معماری سلجوقی در مصر امری است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. هرچند که سلجوقیان در معماری خود از شیوه‌های ترکی بهره‌گرفته‌اند اما ساختار کلی آن معماری‌ای است که از ایران به‌ها خاسته است و یا آن که متأثر از ساختار کلی معماری شرق ایران، به گونه‌ای که در مسجد حکیم که در نگاه نخست چنین تأثیری را نشان می‌دهد، مشاهده می‌کنیم.

امیر عالم خطیب کردستانی در روز جمعه هشتم محرم ۵۶۷ هجری قمری به دستور نورالدین زنگی حاکم شامات و مصر در مسجد قاهره در خطبه نماز به جای آن که نام آخرین خلیفه فاطمی العاصد لدین‌الله را ببرد، نام المستضی بالله خلیفه عباسی در بغداد را خواند. بدین وسیله پس از «دویست و هشتاد و هفت سال» خلافت فاطمی شیعہ که از سال ۲۷۹ هجری قمری به بعد در برابر خلافت سنی بغداد قد علم کرده بود درهم

باشید و بدین‌سان صلاح‌الدین ایوبی گرده‌نژاد به‌عنوان حاکمی سنی بکه‌تاز سرزمین مصر و توابع آن شد.

* * *

در بین سال‌های ۷۵۶ تا ۷۶۰ هجری قمری مسجد سلطان‌حسن مملوک‌کی که برای این دوران شاخص می‌باشد ساخته شد. خاندان مملوکیان از نژاد ترکمانانی بودند که به مصر آمده و در آن‌جا صاحب قدرت شدند. با آن که ظاهر سنگی مسجد در جهت طول خیابان متصل به آن برخلاف قبله می‌باشد، لبک داخل مسجد در جهت مکه مکرّمه ساخته شده است. از حیاط چهارگوش داخلی، ایوان‌هایی جدا می‌شود که در نهایت به شکل چلیپا (صلیب) به نظر می‌رسد. در میان بازوهای آن اتاق‌های مطالعه و کلاس‌های درس تعبیه شده است. در ایوان اصلی به شکل چهارگوش مقبره بانی این مسجد در طرحی چهارگوش و گنبدی برافراشته بر آن قرار دارد. ساختار معماری به کاررفته در این مسجد چند جهته

در نظر گرفته شده است که هم مسجد می‌باشد و هم به‌عنوان مدرسه می‌توان از آن استفاده نمود و هم این که مقبره سلطان در آن جای داده شده است. این نوع معماری به کاررفته در این مسجد برای مصارف گوناگون موجب آن شد تا این که در مصر بناهایی به سبک آن ساخته و پرده‌آخته شود تا از آن بتوان در جهات گوناگون استفاده کرد. حتی در این‌گونه مساجد بیمارستان هم منظور می‌داشتند. از آن جمله می‌توان به بنای باعظمت سلطان کالوم (فلارون) (Kalacun) اشاره کرد که در مرکز قاهره قرار دارد. این‌گونه تلفیق از عمارت‌های عمومی اندیشه‌ای نو در بین مسلمانان بود و خود از ابتکارات اجتماعی محسوب می‌شود.

بعد از ممالیک جرجیس‌ها که توانستند در سال ۷۸۲ هجری قمری قدرت مصر را در دست گیرند تحوّل را در معماری مصر ایجاد کردند. معماری جرجیس‌ها از تنوع رنگ‌ها بهره‌گرفته است. در مدخل ورودی مصالحی از نمونه‌های راه‌راه رنگی برای تزیین استفاده کردند که

همواره مرکز علنی فعالیت‌های سیاسی خود کردند. در زمان ناصر در سال ۱۳۸۳ هجری قمری در مصر ۱۴۰۰ مسجد شخصی وجود داشت که دولتی تنها ۳۰۰۰ ذکر شده است؛ این رقم در زمان سادات معدوم در سال ۱۳۸۹ هجری قمری برابر با ۱۹۷۰ میلادی ۲۰/۰۰۰ مسجد شخصی و در زمان گذشته شدنش حدود ۴۰/۰۰۰ مسجد شخصی در برابر ۶/۰۰۰ مسجد دولتی گزارش کرده‌اند.^{۵۰}

* * *

از آن‌جا که مساجد مسلمانان مکانی است برای تجمع در امور اجتماعی و سیاسی و نیز از آن برای برقراری مراسم مذهبی و نیایش‌های دسته‌جمعی استفاده می‌کنند و این که مساجد مکانی نیستند که به خاطر آداب و رسوم خاص مذهبی به گونه‌ای تقدیس و ممتاز شده باشند، ساختمان آن را هم چندان بلند و قابل مشاهده از همه سو نمی‌سازند. همین امر هم برای معماری آن صدق می‌کند که برای بیننده آن در خارج در نظر گرفته نشده است. لذا یک نماشاگر در درجه نخست خود را در برابر عمارتی نه‌چندان بلند می‌باید که بسیار ساده ساخته شده است. حال آن‌که کلیسا در نزد مسیحیان از آن‌جا که «مرکز آسمان» به حساب می‌آید، تا آن‌جا که ممکن باشد آن را بلند و از همه طرف قابل رؤیت می‌سازند. این تفاوت معماری مساجد مسلمانان و کلیسا را ما در اسپانیا هنگامی که عبدالرحمان حاکم اموی اسپانیا در سال ۱۶۳ هجری قمری برابر با ۷۸۰ میلادی کلیسای اعظم و سینس مقدس در اندلس را به مبلغ یکصد هزار دینار خریداری کرد و آن را در هم کوبید تا بر روی ویرانه‌های مسجدی بسازد مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که در اذهان مردم آن‌جا چه دگرگونی فاحشی را پدید آورد، آن‌هم به گونه‌ای که تأثیر آن در افکار بیدارگرایانه در سرتاسر اروپا لمس می‌شود. در این مسجد هنر معماری اسلامی اصالت مورد اعتماد سبک خود و موجودیت هم‌آهنگ و بی‌مانند خویش را به دست آورد^{۵۱} بدون آن

سنگ‌های سفید و سیاه یک‌درمیان همانند شطرنج در طاق‌نماها به جلوه‌گری می‌پردازد. در این نوع معماری از شیشه‌های رنگارنگ در پنجره‌ها نیز استفاده زیادی شده است. نمونه این سبک معماری را ما در مسجد سلطان قایت‌بای از سال ۸۶۷ هجری قمری می‌توانیم مشاهده کنیم که مقبره سلطان هم در آن‌جا قرار دارد. این مسجد هم مانند دوران ممالیک هم مدرسه بود و هم مکانی برای عبادت. از ویژگی این مسجد آن‌که آب‌انباری مستقل داشت و دارای مغازه بود. البته ایوان اصلی که در بدو امر به عنوان راهرو برای شبستان در نظر گرفته شده بود جنبه اتاق بزرگی را دارد که به جای سقف کمانی از سقف چوبی صاف اما با تزئینات بسیار استفاده شده است. تزئینات اسلامی به کاررفته در آن تأثیر هنر تزئینی و معماری اسلامی ایرانی، سوری و آسیای صغیر را نشان می‌دهد.^{۴۹}

به‌طور کلی امروز دیگر دو نوع مسجد در مصر یافت می‌شود. برخی از این مساجد توسط افراد نپوک‌کار ساخته و تأمین می‌شود و به نام مساجد شخصی معروف می‌باشند. دیگر مساجدی هستند که تحت نظارت اداره اوقاف مصر و زیر نظر دولت اداره می‌شوند. در دوران پادشاهی متأخر در مصر حکومت سلطنتی کوشید مقام الازهر را به طرف خود بکشاند و بر کارهای او نظارت کامل نماید. به دیگر سخن آن‌که دولت قصد داشت تا تمام امکانات الازهر را در اختیار گیرد و علمای آن را با پرداخت مقرری به‌عنوان کارگزاران دولتی قلمداد نماید.

تازه پس از سقوط حکومت سلطنتی به دست افسران جوان در سال ۱۳۷۱ هجری قمری برابر با ۱۹۵۲ میلادی الازهر توانست تحت زعامت شیخ شلتوت ناصریم به‌عنوان مرکزی ایدئولوژیکی دولتی درآید. گذشته از آن گروه‌های زیرزمینی اسلامی اخوان مسلمین به رهبری حسن البنا که در سال ۱۳۴۶ هجری قمری برابر با ۱۹۲۸ میلادی به وجود آمده بود، مسجد را

که از سبک معماری غربی متأثر شده باشد.

البته مسلمانان در اسپانیا در مسجد قرطبه (گردوبا) تغییرات حمد‌های در ساختار معماری و تزیینات آن به‌وجود آورده‌اند. در این مسجد که تفاوت آن با دیگر مساجد شرقی به‌طور محسوس قابل مشاهده است، تصاویری از اصحاب کهف در افسوس و کلاغ‌های نوح نقاشی شده است. اما حالت شیرها و عقاب‌ها غیر طبیعی، جبری و تجربدی است و بیش‌تر به رسم متمایل است تا به نقاشی. در هر حال سبک معماری قرطبه از چنان عظمتی برخوردار بود که در سبک گوتیک اروپا و طاق کلیسای بورگوندی وارد شد و معماری اروپا را حتی در دوران رنسانس تحت سلطه خود درآورد.^{۵۲}

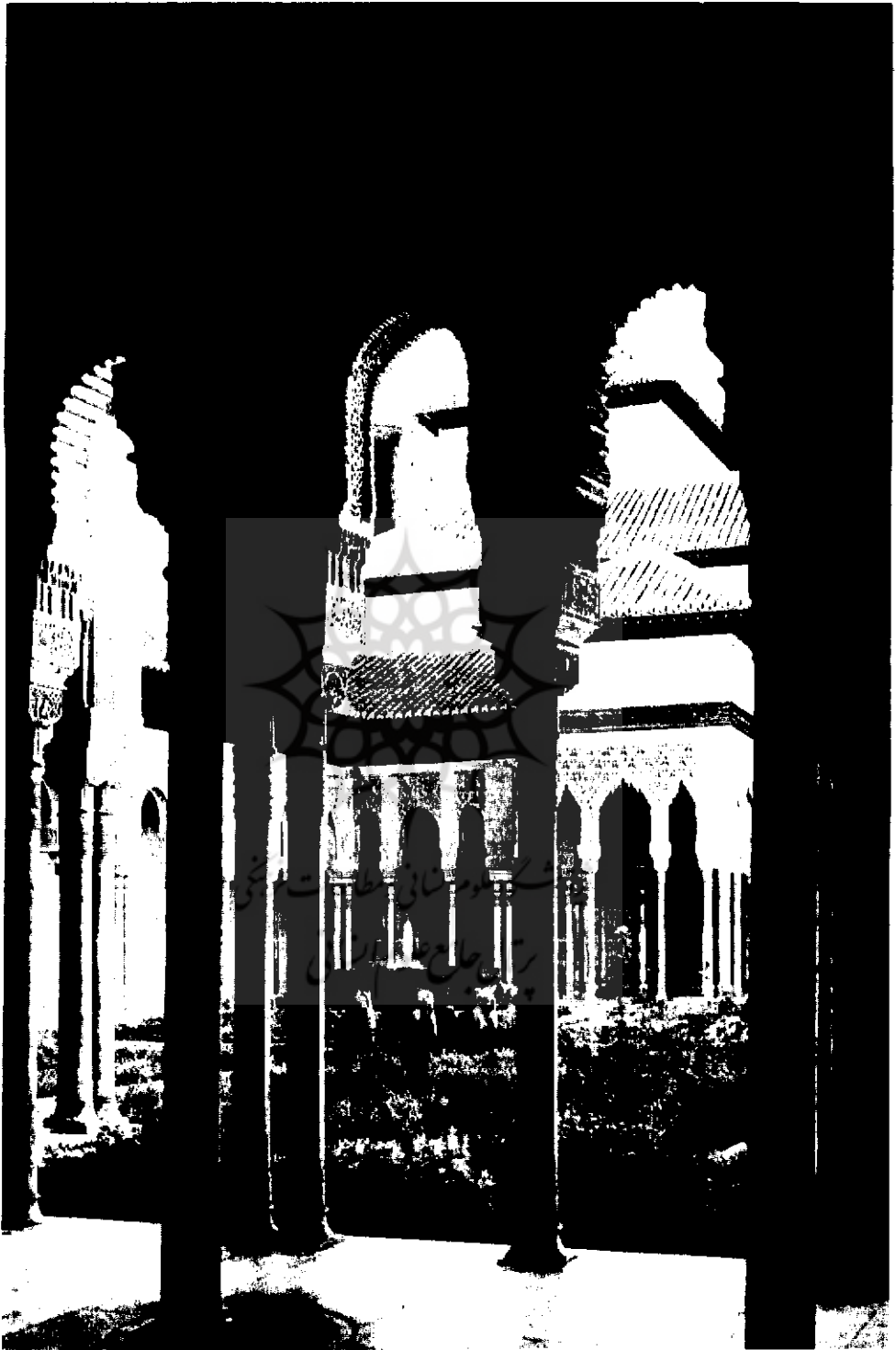
شبهستان مسجد قرطبه که اکنون در میان آن کلیسایی ساخته‌اند دارای یک‌هزار و چهارصد ستون مرمر است. - برخی تعداد ستون‌ها را تنها یک‌هزار و نود و پنج دانسته‌اند - این ستون‌ها در طول دارای نوزده ردیف و در هر ضلع سی و سه ردیف است. در این شبهستان در زمان شکوفایی اش به‌عنوان مسجد تعداد «چهار هزار و هفتصد چراغ سیمین» روشن می‌نمودند. در زمان هشام اول، پسر عبدالرحمن مناره‌های آن ساخته شد و در زمان عبدالرحمن دوم شبهستان این مسجد بزرگ‌تر گردید و یازده ردیف دیگر بدان اضافه نمود و دومین محراب را هم ساخت.

در دوران‌های مختلف پیوسته بر وسعت شبهستان و دیگر قسمت‌های عمارت مسجد افزوده شد و بدان مقصوره‌هایی جداگانه جهت حکام که خارج از اصول نخستین معماری مساجد بود اضافه گردید.^{۵۳} مسجد قرطبه به‌طور کلی تاریخ اسلام در اسپانیا محسوب می‌شود. در این شهر گذشته از مسجد آن انحصار صنعت شیشه در دست مسلمانان بود که در اواخر قرن سوم هجری قمری ابن‌خرناس قرطبی آن را به کمال و تمامیت رسانده بود.^{۵۴}

تغییر دیگر که در این مسجد رخ نمود در منطقه محراب آن صورت گرفت. کم‌کم شکل ظاهری محراب به‌صورت اتاق درآمد که در آن تأثیری از هنر معماری باروک از قرن یازدهم و دوازدهم میلادی قابل مشاهده است. جالب آن که از این مسجد تنها این قسمت بود که از دست ویرانگری‌های مسیحیان که بعدها بر اسپانیا در اثر ضعف حکومت‌های اسلامی تسلط یافتند در امان ماند و عظمت حکومت هشتصد ساله مسلمانان را در این سرزمین نشان می‌دهد.

دیگر تزیینات مسجد متأسفانه دستخوش تعصب مسیحیان گردید و از بین رفت. ارتفاع شبهستان مسجد قرطبه بیش از ده ذرع، بیش از $\frac{7}{5}$ متر است که نسبت به سقف دیگر عمارت‌های رایج آن زمان به‌ویژه در مناطق مسیحی‌نشین بس بلند بود که فضایی گسترده و روشن را به‌وجود می‌آورد.^{۵۵} از تحولات دیگر در مساجد اسلامی در اسپانیا در مورد مسجد الحمرا واقع در قصر الحمرا در غرناطه می‌باشد. این قصر و مسجد مربوطه‌اش در قرن هفتم هجری قمری برابر با سیزدهم میلادی بنا گردیده است. لیک در قرن دهم هجری قمری برابر با شانزدهم میلادی به‌دست مسیحیان افتاد و آن را به‌عنوان قصر کارل پنجم، پادشاه اسپانیا تغییر دادند. با آن که در ابتدای کار معماری آن را بسیار دستکاری نمودند اما به‌زودی دریافتند که آنچه را که آن‌ها بنا کرده‌اند فاقد ارزش معماری است. از این‌رو آن را به شکل نخست بازگردانیدن و هم‌چنان روح معنوی اسلام و هنر معماری به‌کارگرفته‌شده در آن و عظمت و اقتدار اسلام در غرب سرزمین‌های اسلامی در کل بنا قابل رؤیت گردید.

مجموعه الحمرا یکی از سه بنای زیبای اسلام، یعنی در کنار مسجدالاقصی در قدس، تاج‌محل در هند می‌باشد که خود این سه عمارت سخن از گستردگی و شکوه جهان اسلام دارد. مشخصه این معماری در اسپانیا در طاق‌نماهای تملی شکل آن است.^{۵۶} پس از



سقوط دولت مسلمان اسپانیا در سال ۱۴۹۲ میلادی برابر با ۸۹۷ هجری قمری، مسیحیان مسلمانان را از اسپانیا با تهدید و وحشت بیرون رانده و با قتل‌های دسته‌جمعی که حتی از سوی اسقف‌های مسیحی صادر می‌شد جمعیت مسلمانان این منطقه رو به نقصان گذاشت و در نتیجه بسیاری از آثار باستانی و هم‌چنین علوم اسلامی اسپانیا هم ویران و به غارت رفت. از جمله در «مفرغی مسجد الحمرا» به نام «مازگیتا» که به معنای مسجد است به‌عنوان قراضه به مسگران مسیحی واگذار شد.^{۵۷}

* * *

در تاریخ معماری عثمانی برای نخستین‌بار در زمان مراد اول (۷۶۰-۷۹۰ هجری قمری، میلادی) هنرمندان معمار از ایران به دربار عثمانی آورده شدند تا برای خلافت عثمانی مساجدی بسازند. در این روزگار است که شیوه معماری سلجوقی با اتاق‌های سرپوشیده در اطراف حیاط جایگاهی برای خود در باب عالی باز می‌کند. مساجد آلو (Alu) (المپ معبد یونانی) در بورسا و سلطان بایزید اول در آماسیا نشانگر تأثیر این نوع معماری می‌باشند.

از ویژگی‌های هنر معماری این‌گونه مساجد مدخل ورودی آن، رونماسازی و ترکیب پنجره‌ها می‌باشد که همواره با تزیینات اسلامی و گل‌های پیچک‌دار مزین به خوش‌نویسی بر روی دیوارها و کتیبه‌ها است. ۵۸ پس از فتح استانبول در سال ۸۵۶ هجری قمری برابر با ۱۴۵۳ میلادی در ساختار معماری عثمانی بنا بر آنچه که در ایاصوفیا یافتند دگرگونی بنیادی پدید آمد و هنرمندانی چون خیرالدین و سنان با بهره‌گیری کامل از آن به ساخت گنبد‌های عظیمی برای مساجد پرداختند. سنان در زمان سلیمان فاتح حدود سیصد اثر هنری و معماری آفرید که مسجد شیخ‌زاده یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین این آثار است. البته مسجد سلیمانیه در استانبول تاج هنری‌اش به حساب می‌آید.

نمایز هنر معماری این مسجد گنبد بسیار بزرگ آن است که توسط دو گنبد کوچک‌تر در کنارش شکوه بی‌مانندی را به نمایش گذاشته است. دروازه‌ای عظیم در مدخل ورودی راه را برای نمازگزاران و سایر مراجعان به مسجد به‌سوی حیاط می‌گشاید. در پشت پیش‌خوان آرکوار آن، آرک‌های دیگر راهنمایی به‌سوی شبستان مسجد می‌باشند. سنان با ایجاد سه طاق‌نمای کم‌اندازه بزرگ در داخل گوشه‌ها تا بخش‌های کناری را در وسط بنا متمرکز گرداند تا تمام بنا به‌گونه‌ای جلوه نماید که گویا تنها از یک تالار تشکیل شده است. برای این مسجد چهار مناره مخروطی‌نوک نیز در نظر گرفته‌اند.

دیگر از شاهکارهای هنر معماری سنان در مسجد سلطان سلیم دوم ظهور کرد. در شهر ادرنه در ساختمان هشت‌گوش این مسجد یادآور سبک معماری مسجد بیت‌المقدس و مسجد‌الاقصی می‌باشد. به تقلید از گنبد مسجد سلیمانیه دارای گنبدی است باشکوه که چهار مناره آن را در آغوش گرفته‌اند. با هنر معماری سنان در ساخت مساجد، بنیاد معماری عثمانی در جهان اسلام ترکیب تثبیت‌شده خود را یافت. حتی شاگردان سنان به هندوستان اسلامی فراخوانده شدند تا شکوه معماری هند اسلامی را دوچندان گردانند. شاهکارهای هنری معماری اسلامی از طریق جهانگردان اروپایی در جهان اسلام به اروپا نیز انتقال داده شد.^{۵۹}

مسجد آبی‌رنگ سلطان احمد در استانبول یکی دیگر از نمونه‌های بارز معماری مساجد به سبک عثمانی است. این مسجد در جای بنای قدیمی قصر بیزانس بین سال‌های ۱۰۱۷ تا ۱۰۲۴ هجری قمری برابر با ۱۶۰۹ تا ۱۶۱۶ میلادی ساخته شد که دارای حیاطی بسیار بزرگ و شش مناره است. این مسجد در کنار ایاصوفیا متمرکز جذابیت معماری شهر را در ساحل دریای مرمره به خود می‌کشاند. از دیگر چشم‌اندازهای شهر، مسجد شاهزاده در استانبول است که به دستور سلطان سلیم اول به یاد فوت زودرس فرزند پسرش بین سال‌های ۹۵۰ تا ۹۵۴

هجری قمری برابر با ۱۵۴۴ تا ۱۵۴۸ میلادی بنا گردید. این مسجد دارای حیاطی باغ‌گونه است که مقبره در شاهزاده در آن جای گرفته است. کم‌کم بر میزان تزیینات داخل گنبد مسجد افزوده شد که هنر معماری سنان را در اوج اهتلازی زیبایی‌اش نشان می‌دهد.^{۶۱}

مساجد ساخته‌شده دوره نخست حکومت عثمانیان هنوز چندان از شهرتی برخوردار نبودند تا این‌که بتوانند مورد نمونه‌برداری و تقلید واقع شوند. سبک آن‌ها بسیار ساده بود و از نفوذ معماری‌های دیگر هم در آن‌ها چیز قابل ملاحظه‌ای دیده نمی‌شد. از این‌گونه مساجد دوره نخست حکومت عثمانی می‌توان به مسجد چلبی و سبز در شهر نسا اشاره داشت که دارای معماری‌ای مکعبی شکل می‌باشند.

* * *

در اواخر قرن نهم هجری قمری سلسله تیموریان به پایان قدرت‌نمایی خود رسیدند و از صحنه سیاسی و تاریخی بیرون رفتند. اما گویا سرنوشت این خاندان که در دوران نخست تأثیرات منفی آنان حتی از هجوم چنگیز بیش‌تر بوده است، نمی‌بایست بدین زودی‌ها از نقش‌اندازی بیافتد. یکی از نواده‌های تیمور در قرن دهم هجری قمری تحت نام بابر توانست پس از آن‌که قدرت خود را در افغانستان از دست داد حکومت مغولان در هندوستان را پای‌ریزی کند.

با وجود تأثیر زیادی که فرهنگ و ادب ایران و زبان فارسی به‌واسطه غزنویان و سلسله‌های مغولی در هندوستان گذاشت و به‌عنوان ادب و فرهنگ و زبان رسمی آن دیار اعتبار خود را به اثبات رساند و حتی هندوان بدان برداختند^{۶۲} اما در زمینه معماری و هنر هرچند که تأثیر هنر ایرانی مشهود می‌باشد، باز استادکاران هندی به سنت پیش از سلسله‌های اسلامی توجه داشته و در ساخت عمارت‌ها از اسلوب آن دوران بهره زیاد می‌گرفتند. به‌ویژه آن‌که سلاطین مغول خود از مصالح ویرانه‌های معابد هندی نیز در ساخت

عمارت‌های اسلامی همانند مساجد و یاکاخ‌های خاندان حکومتی استفاده بسیار می‌نمودند.

هنر اسلامی توجه خاصی به نوع نژاد، خویشاوندی خونی نداشت و در این زمینه سبکی خاص پدید آورد که با وجود یکپارچگی موجود در آن باز ویژگی‌های خاص منطقه‌ای مشهود می‌باشد. برخی از پژوهشگران ساخت مناره‌های مدور در ایران را تأثیر معماری مسلمانان هند دانسته‌اند.^{۶۳}

بابر نخستین هنرمند و سرسلسله مغولان هند یوسف معمار، شاگرد سنان را از دربار عثمانی به هند آورد و از طریق این شخص هنر معماری ایرانی-سلجوقی که به دربار عثمانی راه یافته بود به هندوستان منتقل گردید. البته هنر معماری ایرانی در هند را ما می‌توانیم در کاشی‌کاری‌هایی که به‌واسطه آن‌که از کاشان آورده شده بودند به همین نام معروفیت یافتند در بناهای این دوره مشاهده کنیم. یکی از مظاهر معماری ایرانی در هند طاقچه‌های طاق‌کمانی و گنبد‌های کوچک در چهارگوشه عمارت‌ها و بناها و مساجد می‌باشد.^{۶۴}

اکبر، فرزند بابر هنرمند و هنردوست مغول دهلی، اگره و لاهور را با عمارت‌هایی غیرقابل قیاس تزیین نمود و سمبل اتحاد ایده‌آل مذهب اسلام و دولت را به‌وجود آورد. مسجد جامع باجاهی (Badshahi) در لاهور دارای سه شبستان بزرگ مسطح و حیاطی بس گسترده است که قبله‌گاه آن را بسیار بلند و عریض ساخته‌اند.^{۶۵}

پیرامون مساجد اسلامی در هند به مقاله‌ای جامع در این زمینه در شماره ۳۲ سال ۷۶-۷۵ فصلنامه هنر مراجعه نمایید. آسیای مرکزی طی تاریخ بیش از شش هزار ساله خود سنت معماری کهنی را در اندوخته‌های عمارت‌سازی خویش داشتند که مسلمانان به این ناحیه وارد شدند. حتی خلفای عباسی در ساخت شهر بغداد و سامرا نظر به شیوه شهرسازی آسیای مرکزی داشته و معماری این منطقه تأثیرات زیادی در دیگر مناطق

اسلامی به جای گذاشته است. حتی در ساخت مقبره‌ای برای ابو مسلم خراسانی فاتح که سلسله امویه را منقرض و دولت عباسیان را بر سر کار آورد که در سال ۱۲۹ هجری قمری برابر با ۷۴۷ میلادی بنا گردیده است از سیستم معماری به سبک خوارزمیان بهره جسته که در این مناطق رواج داشته است.

سالن‌های ستون‌دار باز مساجد آسیای مرکزی می‌بایستی از سیستم معماری سفدی تقلید شده باشد. یکی از قدیمی‌ترین مساجد بخارا مسجد مغ می‌باشد که جای آتشکده‌ای ساخته شده است. از ویژگی آن چهار ستون آن می‌باشد. در بالای دروازه شرقی آن کتیبه‌ای است از سال ۹۵۳ هجری قمری، برابر با ۱۵۴۷ میلادی و دروازه جنوبی یادآور تزیینات رباط ملک می‌باشد. شیوه چهار ستون‌سازی را ما در دو جهت باز مسجد ترمذ هم مشاهده می‌کنیم.^{۶۵}

از دیگر مساجد معروف آسیای مرکزی مسجدی است در ترکمنستان به نام شیر خبیر (Schir-Kabir). این بنا با گنبد چهارگوش هم‌زمان مقبره هم می‌باشد که دارای محرابی بس عظیم و زیباست. اندازه داخل این گنبد ۸/۱ متر در ۸/۴ متر می‌باشد.^{۶۶}

در قرن پنجم و ششم هجری قمری اکثر معماری‌های این منطقه از آجر و چوب بود. از آن جمله می‌توان به مسجد جامع شهر شیوا توجه نمود که در بخش ستون‌ها و سرستون‌ها حدود ۲۵ ستون از قرن چهارم تا ششم هجری تا به امروز باقی مانده است. گنبدی‌ای که هر بخش از ستون‌ها، پایه‌های تزیینی و سرستون‌ها جذائیتی شگرف و متفاوت از دیگری به یادگار گذاشته است.

در بخارا از قرن ششم هجری یعنی از سال ۱۳-۵۱۲ هجری قمری برابر با ۲۰-۱۱۱۹ میلادی مسجد دیگری وجود دارد به نام مسجد نمازگه که در میان باغ شمس‌آباد قرار دارد و محراب آن بسیار باشکوه ساخته شده است. در سی کیلومتری شهر قدیمی مرو،

در دهستان (Dahistan) مسجد تل‌خان‌ون بابا (Talchatan Baba) قرار دارد. این عمارت دارای گنبدی قائم‌الزاویه است که با دو تالار جانبی حدود ۱۸×۱۰ متر مساحت دارد. این مسجد می‌بایستی در اواخر قرن پنجم بنا شده باشد. در همین منطقه مسجد جامع حیاط‌دار دیگری مربوط به سال ۴۹۵ هجری قمری برابر با ۱۱۰۲ میلادی وجود دارد که مناره‌ای جداگانه در سمت جلویی مسجد قابل رؤیت می‌باشد. مسجد دیگری هم به نام مسجد عیدویا نمازگه (Namazgoch) در نسا در همین بخش دیده شده است که سبک ترکمنی در معماری آن به کار رفته، البته مساجد بسیاری در کُتَب تاریخی و ادبی برای مرو ذکر شده است که هنوز از آن‌ها خبری به دست ما نرسیده است.^{۶۷}

جالب توجه برای این دوران (قرن پنجم و ششم هجری) مناره‌هایی است که تا به امروز بدون آن‌که در آن‌ها دخل و تصرفی پدید آمده باشد پایدار مانده‌اند. می‌باشد. در قرقیزستان مناره‌ای از قرن چهارم و پنجم وجود دارد که ۲۱/۶ متر ارتفاع آن است. در ترمذ هم مناره‌ای از سال ۴۲۳ هجری قمری یافت می‌شود که متعلق به مسجد چهارستون می‌باشد. این مناره ۱۳ متر ارتفاع دارد. یکی از زیباترین مناره‌ها مربوط به چهارگرگان (Oscharkurgan) از سال ۲-۵۰۱ می‌باشد. این مناره دارای ۱۶ نیم‌ستون تزیین شده است که در بالای آن کتیبه‌ای موجود است که بر روی آن نوشته شده است: «این اثر علی بن محمد از سرخس» می‌باشد. این مناره با ارتفاع ۲۱/۶ متر در قسمت پایین دارای قطر ۵/۴ متر است.^{۶۸}

در بخارا مناره کالیان وجود دارد که در سال ۵۲۹ هجری قمری در زمان ارسلان‌خان ساخته شده است. ارتفاع این مناره ۴۵/۶ متر و قطر پایین آن ۶/۶۶ متر است که در بخش فوقانی ۳/۲۵ متر قطر دارد. به تقلید از این مناره، مناره دیگری با بلندی ۳۸/۷ متر برپا گردید که

مربوط به سال ۵۹۲ هجری قمری می‌باشد و در زمان صدرالدین برهان‌الدین عبدالعزیز دوم ساخته شد. قسمت بالایی آن تاریخ ۵۹۴ هجری قمری را نشان می‌دهد.^{۹۹}

* * *

هرآینه مساجد اسلامی آن کانونی در جامعه مسلمانان است که آن را به قلب امت مسلمان می‌توان تشبیه نمود. اساساً تصور عدم وجود مسجد در یک مکان مسلمان‌نشین به منزله خالی بودن آن مکان از سکنه می‌باشد. مساجد نقطه ثقل برخوردهای اجتماعی و سیاسی امت مسلمان تلقی می‌شود که به آن‌ها هویت اجتماعی و اسلامی می‌بخشد. مسجد بیانگر تمایلات و تحرکات یک شهر، یک سرزمین و یک دارالاسلام است که همواره در تاریخ ماندگار است. آن مساجدی که این ویژگی را نتوانسته‌اند داشته باشند آثاری تاریخی و باستانی ای شده‌اند که کزمه بدستان بر جانش فشاده تا به عنوان اثری تاریخی گوشه‌ای از آن را بر بایند. مسجد مکان هم‌پاری‌های اجتماعی علی‌الخصوص در روزگارهای تنگ‌دستی‌های اجتماعی، مددکاری است مخلص برای برقراری روابطی انسان‌ساز بدون کوچک‌ترین چشم‌داشت:

شنیدم که منی ز تاب نشید
به مقصوره مسجدی در دوید
بنالید بر آستان گزم
که پا رب به فردوس اعلی برم

پیش‌نوشت‌ها:

۱. سروس شمبسا: نگاهی به سهراب سهری، برگ ۲۴۰.
۲. سید حسین نصر: سه حکیم سلمان، برگ‌های ۳۸-۱۳۷.
۳. شمبسا: همان‌جا، برگ ۲۴۱.
۴. هونکه: فرهنگ اسلام در اروپا، جلد سوم، برگ‌های ۴۶-۱۴۴.
۵. مژ متفکر جهان شهبه: امام جعفر صادق (ع)، مرکز مطالعات اسلامی، استراسبورگ، برگ ۴۵.
۶. هونکه: همان‌جا.
۷. محمدنقی شریعتی: خلافت و ولایت، برگ ۵۲.
۸. علی شریعتی: زن، برگ‌های ۸۹-۱۷۰.
۹. همان‌جا، برگ ۱۱۸.
۱۰. هونکه: همان‌جا، برگ ۱۴۴.

همی شرم دارم ز لطف کریم
که خوانم گنه پیش عفویش عظیم
کسی را که سپری درآرد ز پای
چو دستش نگیری نخیزد ز جای
نگویم بزرگی و جسام ببخش
فروماندگی و گناهم ببخش
تو بینا و ما خائف از بکدگر
که تو پرده پوشش و ما پرده‌ذر
«سعدی - ختم کتاب بوستان»

برگ‌های ۱۰۷-۸.

۳۷. شلیس: همان‌جا، برگ ۹۰. زمین‌کوب: همان‌جا، برگ ۴۱۴.

۳۸. رسول جعفریان: تاریخ تحول دولت، برگ ۱۵۸.

۳۹. عمادزاده: زندگی امام معصومین، برگ ۶۳.

۴۰. درباره آرک، طاق‌نما نگاه کنید به عباس زسانی: طاق‌نما و نخل، فصلنامه هنر، شماره ۳۲ / ۷۶-۷۵، برگ‌های ۸۷-۱۷۸.

۴۱. Rororo: همان‌جا، برگ ۱۰۱.

۴۲. ظریفی: خوش‌نویسی از دیدگاه حران اسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۴۱ / ۱۳۷۵، برگ‌های ۱۳۶-۱۲۵.

۴۳. حلی ساسی: همبستگی مکتب عنری شیرواز و تبریز، مجله هنر و مردم، شماره ۱۹۱ / ۱۳۵۴، برگ ۳.

۴۴. پرویز ورجانی: چهلستون‌های بُر شکوه بناب، مجله هنر و مردم، شماره ۱۲ / ۱۳۵۵، برگ ۶.

۴۵. همان‌جا، برگ ۶-۷.

۴۶. Gottschalk، همان‌جا، برگ ۱۶۰. پانزولند: همان‌جا، برگ‌های ۱۹-۲۰.

۴۷. Rororo: اسلام، برگ ۱۰۹.

۴۸. Gottschalk، همان‌جا، برگ ۱۸۹.

۴۹. گوستاو لوبون: همان‌جا، برگ‌های ۹۸-۹۹. Gottschalk، همان‌جا، برگ ۱۸۹.

۵۰. Basam Tibi: همان‌جا، برگ‌های ۱۴۳-۱۳۹.

۵۱. هونکه: همان‌جا، برگ‌های ۱۴۳-۱۳۹.

۵۲. همان‌جا، برگ‌های ۱۵۱ و ۱۶۰.

53. Zierer: Islam, s.107. Aziz Atiya: Kreuzfahrer, s.276. شپیل: اسلام، برگ ۲۰۶ و ۲۰۸، هونکه: همان‌جا، الرافعی: سقوط اندلس، کیهان اندیشه، شماره ۴۱ / ۱۳۷۱، برگ ۱۱۴.

۵۴. Atiya: همان‌جا، الرافعی: همان‌جا. وی معتقد است که خرناس حتی ساخت زنگ‌دار و هواپیمای را اختراع کرده بود، برگ ۱۱۵.

۵۵. گوستاو لوبون: همان‌جا، برگ‌های ۳۵۴ و ۳۵۶.

۵۶. Gottschalk: همان‌جا، برگ ۱۹۳. Zierer: همان‌جا، برگ ۱۰۷.

۵۷. Schimmel: همان‌جا، برگ ۲۰۷.

۵۸. Gottschalk: همان‌جا، برگ ۱۹۳.

۵۹. همان‌جا، برگ ۱۹۴.

۶۰. همان‌جا، برگ ۱۹.

۶۱. Schimmel: همان‌جا، برگ ۱۷۳.

62. Durant: Weltreiche des Glatiens, s.527.

63. Fischer: Islam, I., s.273. Schimmel: همان‌جا، برگ ۱۸۰.

65. Israelowitsch: Herren der steppe, s.26. همان‌جا، برگ ۵۴.

۶۶. همان‌جا، برگ‌های ۴۷ و ۵۴.

۶۷. همان‌جا، برگ ۶۰.

۶۸. همان‌جا، برگ ۶۰.

۶۹. همان‌جا، برگ ۶۰.

۱۱. حلی شریعتی: زن، برگ ۱۴۷. احمد شلیس: تاریخ آموزش در اسلام، برگ‌های ۹۰ و ۹۱. عمادزاده: تاریخ جغرافیای مکه معظمه، مدینه طیبه، برگ ۳۹۸.

۱۲. قرآن کریم: سوره توبه، آیه ۱۰۹.

13. Fritz Meier: Der Prediger auf der Kanzel (Minbar), in: Feestschrift fuer B. Spuler, s.227-80. همان‌جا، برگ ۲۳۹.

۱۵. هونکه: همان‌جا، برگ ۱۴۰. سید جعفر سجادی: نقد تطبیقی ادبیات ایران و عرب، برگ‌های ۶۲-۶۱.

۱۶. هونکه: همان‌جا، برگ ۱۴۶.

۱۷. حلی شریعتی: زن، برگ ۱۴۰. احمد شلیس: تاریخ آموزش در اسلام، برگ‌های ۳۶-۲۳۵.

۱۸. محمد رشاد: جنگ‌های صلیب، جلد دوم، برگ‌های ۱۳-۱۱. شلیس: همان‌جا، برگ ۹۸.

۱۹. گوستاو لوبون: تمدن اسلام و عرب، برگ ۱۸۲.

۲۰. شلیس: همان‌جا، برگ‌های ۳-۹۲.

۲۱. پانزولند: خلیفه و سلطان، برگ‌های ۲-۱.

22. H. Gottschalk: Weltewegende Macht, Islam s.762, 178. مارتن لینگز: مراتب حکمت در معماری مسجد و کلیسای جامع، فصلنامه هنر، شماره ۳۲ / ۷۶-۷۵، برگ ۱۴۹.

۲۴. گوستاو لوبون: همان‌جا، برگ‌های ۱۸۹ و ۱۹۳. شلیس: همان‌جا، برگ‌های ۹۳-۹۲.

Basam Tibi: Das Islam und das problem der Kulturellen Bewaeltigung, s.132. Bertholz: Aufstand der Araber, s.20. ماسینیون: سلمان پاک (ترجمه و مقدمه از حلی شریعتی)، برگ‌های ۷۰-۹۹.

۲۶. Gottschalk، همان‌جا، برگ ۱۷۸. عمادزاده: همان‌جا، برگ ۷۸.

۲۷. لسترلیج: جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، برگ‌های ۳۳-۱۳۲.

۲۸. هونکه: همان‌جا، جلد سوم، برگ ۱۴۰. گوستاو لوبون: همان‌جا، برگ‌های ۹۸-۱۹۴.

Schimmel: Islam, in: Kulturgeschichte der welt, s.157. درباره مقاله اسکندره به نگاه کنید به محمد معین: آینه اسکندر، مجموعه مقالات، جلد دوم، برگ‌های ۹۴-۶۵.

30. Rororo: Islam, s.107/ Gottschalk، همان‌جا، برگ ۱۸۲.

۳۲. مفز متفکر شیعه: همان‌جا، برگ‌های ۸۷-۸۶.

۳۳. رهمنی: زندگی امام حسین (ع)، برگ ۳.

۳۴. همان‌جا.

۳۵. زمین‌کوب: تاریخ ایران بعد از اسلام، برگ ۳۳۲.

۳۶. همان‌جا، برگ‌های ۱۶-۶۱۳. لیبون: دولت و حکومت در اسلام،